

تخریب مراتع و علل گسترش و طغیان سن گندم در نهاوند

داود قیانوری

اشاره

مقاله‌ای که پیش رو دارید به دنبال فراخوان مقالات برای اولین همایش «نهاوند شناسی» که در تابستان ۱۳۷۶ برگزار شد ارسال گردید که چون با تأخیر همراه بود در همایش مطرح نشد. اینک بادرچ آن در مجله و ضمن سپاس از آقای داود قیانوری نویسنده‌ی محترم مقاله امید است این مبحث مهم و حساس مورد توجه بیشتر مسئولان و صاحب‌نظران قرار گیرد.

نصل نامه

مراتع موجود شهرستان نهاوند همچون جنگل‌های منطقه روبه نابودی است. با این تفاوت که بود و نبود جنگل محسوس و چشمگیر است ولی بود و نبود مرتع توجه کسی را به خود معطوف نمی‌دارد. هم‌اکنون این عزیزترین ثروت ملی در این بخش از سرزمین ما دچار تخریب فاجعه آمیزی شده است و هرزمان بر سرعت این تخریب افزوده می‌گردد.

مراتع ما بی‌رحمانه غارت می‌شوند. نابودی این مراتع مصیبتی بزرگ و جبران ناپذیر است، چرا؟ چون مرتع در سرزمین نیمه خشکی مانند نهاوند، پشتوانه‌ی کشاورزی و سپر بلاهای آن است. مرتع بلای سیل را مهار می‌کند، بلای خشک‌سالی را تعدیل می‌نماید، ناسازگاری‌های اقلیمی را، با توجه به تراکم و در نتیجه توان خود، کاهش می‌دهد، دست‌ها را در بهره‌گیری هرچه بیشتر و بهتر از سدها که پدیده‌های نوین پیشرفت‌اند باز می‌گذارد، خاک بارزش کشاورزی را حفظ می‌نماید، آفات متعددی را در دامان خود زمین‌گیر می‌کند و به آن‌ها اجازه‌ی دست‌اندازی به مزارع و باغات را نمی‌دهد. هم‌اکنون ارتفاعات این شهر که روزگاری نه چندان دور، از نباتات مرتعی پوشیده می‌شد دگرگون شده است و دیگر در آن‌ها از پوشش‌های گیاهی اثری نیست. خاک‌ها لخت شده‌اند و به تدریج ضخامت خود را که بر اساس نظر اهل فن برای تشکیل هر میلی‌متر آن ۶۰ تا ۱۰۰ سال مورد نیاز

است از دست می‌دهند. سنگ‌های سخت و سیاه ناخوانده سر از این‌گونه خاک‌ها خارج می‌کند و از روزهای تیره‌ای خبر می‌دهد. ارتفاعات شهرستان که روزگاری بهترین منبع غذایی دام‌ها بوده یا کلاً فاقد مرتع شده‌اند و با بقایای نباتات مرتعی در آن، واپسین نفس‌های خود را می‌کشند. در این بلندی‌ها بعضاً نباتات مهاجم که میدان را از گیاهان مفید خالی دیده‌اند شروع به تاخت و تاز نموده‌اند و چنان متراکم شده‌اند که حتی در صورت مناسب شدن شرایط، دیگر به نباتات خوب مرتعی مجال خودنمایی نخواهند داد.

به دنبال محو و نابود شدن این سپر امنیتی، فرسایش‌های آبی و بادی، خاک‌ها را غارتگرانه به طرف دشت‌ها سرازیر کرده‌اند، به طوری که دیگر حتی زارعین نیز در این‌گونه نقاط، رغبتی به کاشت مجدد ندارند.

دیم‌کاران و چوپانانی که عاملان اصلی این نابودی هستند همچنان به طرف مراتع دیگر روی می‌آورند و آن‌ها را هدف بعدی هجوم خود قرار می‌دهند. بدین ترتیب تخریب مراتع گسترش می‌یابد، اقلیم‌ها حتی در سطح «ماکروکلیم» تغییر می‌کند، آثار تقلیل بارندگی‌ها به تدریج آشکار می‌گردد، نظم بارندگی‌ها مختل می‌شود و به موازات همه‌ی این مصیبت‌ها، سن گندم گسترش می‌یابد. همان آفتی که مهم‌ترین مسئله‌ی گیاه پزشکی شهر و حتی کشور ما در حال حاضر است. دلایل این ادعا بر کسی پوشیده نیست. چون گندم نه فقط در ایران بلکه در دنیا، از نظر تغذیه‌ی نوع بشر، حساس‌ترین موقعیت را به خود اختصاص داده‌است. از طرف دیگر، سن گندم هم زیان‌بارترین آفت این محصول در نهاوند و سرزمین‌های مجاور آن است. این حشره به‌ویژه در نهاوند نقشی مخرب دارد. حتی در حال حاضر که وسایل و روش‌های برخورد با آن پیشرفت‌های شایانی نموده‌است، می‌بینیم که زیان اقتصادی ناشی از آن بیش از زیان تمام آفات کشاورزی در منطقه‌است، به طوری که همه راتحت شعاع قرار داده‌است.

سن گندم در طول تاریخ ما به کرات موجب جابه‌جایی‌های روستائیان مظلوم و زحمتکش شده و همواره موجب فقر و درماندگی آن‌ها گشته‌است. زارعین محنت کشیده‌ی این مرزوبوم علاوه بر تحمل مظالم گذشته، ناچار شده‌اند مصیبت‌های ناشی از سن گندم را نیز تحمل کنند.

هنوز هم در گوشه و کنار شهرستان می‌توان آثار و باقی‌مانده‌های سن‌بندها را دید.

روستائیان محروم و مظلوم به هر وسیله‌ای که به تصورشان در بند آورنده‌ی این بلای خانمان برانداز است متوسل می‌شدند. پیرمردان و پیرزنان ما در روستاها به‌خوبی طغیان‌های خانمان سوز این آفت را به یاد دارند، به‌طوری‌که هرچند سال یک‌بار آن‌ها را به خاک سیاه می‌نشانند.

اکنون وضعیت سن‌گندم در منطقه‌ی ما چگونه است؟ آیا طغیان‌های دوره‌ای هنوز هم دیده می‌شود؟ پاسخ منفی است. زیرا دیگر از طغیان‌های هرچند سال یک‌بار با آن شدت و حدّتی که داشت خبری نیست. ولی حادثه‌ی دیگری در شرف تکوین است. بدین معنی که سن‌گندم لاینقطع گسترش می‌یابد و تقریباً همه جاگیر شده‌است. این آفت در گذشته عمدتاً در مناطق مرتفع حادثه آفرینی می‌نمود ولی اکنون تقریباً به همه‌ی مناطق غله خیز سرایت کرده است.

در زمان‌های پیشین زراعت‌های آبی بیشترین لطمات را می‌دیدند ولی اکنون دیم‌کاری‌های وسیع سرزمین ما نیز میدان تاخت و تاز این آفت شده‌اند. سؤال این است که چرا سن‌گندم این چنین همه جاگیر شده است؟ و آیا نظر کسانی که گاه تخریب مراتع را عامل گسترش سن‌گندم دانسته‌اند حقیقت دارد؟
اصولاً دو سؤال اساسی در این جا مطرح است:

۱ - سن‌گندم برای اولین بار به این مناطق از کجا آمده و چرا آمده است؟

۲ - چرا دیمزارها را نیز مورد تاخت و تاز خود قرار داده است؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که سن‌گندم به‌رغم توانایی پیمودن مسافت‌های طولانی، تمایل چندانی به این کار ندارد. به عبارت دیگر سن هرمنطقه مربوط به همان منطقه است. اگر در گذشته سن‌گندم را در منطقه‌ای نمی‌دیدیم بدان معنا نبود که این آفت در آن منطقه وجود نداشته است، بلکه خفیف و اندک بوده است. از این رو هیچ‌گاه جلب نظر نمی‌کرده است. اما اشخاص کنجکاو گاه در این قبیل مناطق نشانه‌هایی از سن‌گندم را در بعضی مزارع می‌دیدند. به عبارت دیگر همین سن‌های خفیف و جزئی بر اثر عواملی به خروج از زندگی مخفی و رشد و گسترش وادار شده‌اند. در این رابطه قائل شدن به قدرت افسانه‌ای پرواز برای سن‌گندم که بر اساس آن این آفت قادر است تا ۳۰۰ کیلومتر پرواز نماید باطل است. حال آن‌که نمی‌توان برای این حشره پروازی بیش از حدود ۱۰ تا ۵۰ کیلومتر

تصوّر کرد. در عین حال سن قادر است بدون جابه‌جایی قابل توجهی، همچنان به زندگی خود ادامه دهد. مهم‌ترین عاملی که سن گندم را از زندگی به‌ظاهر نهان به زندگی آشکار می‌کشاند چیزی جز تخریب مراتع نیست. در سال‌های اخیر متأسفانه تخریب مراتع قوس صعودی شدیدی را پیموده است.

در پاسخ به سؤال دوم که چرا دیمزارها این‌چنین مورد تاخت و تاز قرار گرفته‌اند باید گفت، در سرزمین نیمه خشک ما، بستر اصلی دیمزارها ارتفاعات هستند. به عبارت دیگر دیمزارها در جاهایی استقرار یافته‌اند که جایگاه مراتع ما را تشکیل می‌دهند. لذا طبیعی است که زراعت دیم بیش از زراعت آبی از دگرگونی‌های ایجاد شده‌ی در مراتع آسیب می‌بیند. حال ببینیم علل اصلی تخریب مراتع در منطقه‌ی ماکدام‌اند و این تخریب در خارج ساختن سن‌ها از زندگی مخفی چه‌اندازه مؤثرند؟

تخریب مراتع در نهاوند دو منشأ عمده و اساسی دارد. یکی گسترش بیش از پیش دیم‌کاری در ارتفاعات است و دیگری بهره‌کشی بیش از توان مراتع طبیعی برای تغذیه‌ی دام‌هاست. گسترش دیم‌کاری‌ها نتیجه‌ی مستقیم ازدیاد جمعیت است. رشد جمعیت و احتیاج به غذای بیشتر، زارعین را به توسعه‌ی روزافزون غله‌کاری به‌ویژه به شیوه‌ی دیم ترغیب می‌نماید. زمانی که جمعیت در حد متعادلی بود، دیم‌کاری‌ها گسترش مناسبی داشت و در صورت لزوم اکثراً به‌طور افقی توسعه می‌یافت بدین معنی که تا حد امکان به نقاط مرتفع‌تر که عمدتاً شیب‌های آن‌ها مناسب دیم‌کاری نیست روی نمی‌آوردند اما در حال حاضر این ارتفاعات بدون توجه به میزان شیب آن‌ها به شخم و زراعت سپرده می‌شوند. طبیعی است که در شیب‌های تندتر میزان فرسایش خاک نیز بیشتر و شدیدتر است.

باران و باد با سرعت و سهولت بیشتری خاک را از زمین می‌کند و به‌گودال‌ها و نقاط پست منتقل می‌نماید. در نتیجه در این قبیل شیب‌ها آثار فرسایش سریعاً آشکار می‌شود و سنگ‌ها و صخره‌های زیر لایه‌های خاک در فاصله‌های کوتاهی بیرون می‌افتند. علاوه بر آن در بیش از ۹۰٪ زراعت دیم شخم در جهت شیب زمین زده می‌شود. به عبارت دیگر شیارهای شخم در جهت شیب ایجاد می‌شود و طبیعتاً آب حاصل از بارندگی به راحتی جریان می‌یابد و خاک را می‌شوید و باخود می‌برد و نابود می‌کند.

در این شیارها چون آب ذخیره نمی‌شود محصول نیز به شدت تقلیل می‌یابد. یکی از

نتایج مستقیم این زراعت‌ها آن است که زارعین گندم آن‌را برداشت نمی‌کنند و این خود همان‌طور که بعداً گفته خواهد شد در گسترش و طغیانی شدن سن گندم بسیار مؤثر است. در نپاوند رسم بر این است که قطعه زمینی که اختصاص به زراعت دیم دارد بین یک تا دو سال آیش می‌ماند و سپس زیر کشت می‌رود. چنین زراعتی آن‌گاه مطلوب خواهد بود که زمین دیم خاک مناسب را در خود نگاه داشته باشد و گر نه محصول آن کاهش می‌یابد و زارع مجبور می‌شود آن زمین را برای مدتی طولانی و یا برای همیشه ترک نماید. این قبیل زمین‌ها چون در طول سالیان، زیر ضربات شخم قرار می‌گیرد و نباتات مرتعی آن‌ها تقریباً به کلی ریشه کن می‌شوند، توان خودسازی مجدد را غالباً از دست می‌دهند و برای همیشه متروکه باقی می‌مانند.

بهره‌گیری بیش از توان مرتع برای تغذیه دام‌ها یکی دیگر از علل اساسی تخریب شدیدی و سریع مراتع است. به عنوان مثل یادآوری می‌نماییم که در استان همدان خصوصاً شهرستان نپاوند، میزان بهره‌گیری از منابع طبیعی حدود شش بار بیشتر از توان متعارف آن‌هاست که این خود عمق فاجعه را نشان می‌دهد. در این جا این سؤال مطرح است که واقعاً چه باید کرد؟ مگر نه این‌که این منطقه باید غذای مردم از جمله غله و گوشت را تأمین نماید. پس چه شیوه‌ای باید در پیش گرفت که ضمن تأمین این نیازها، مراتع نیز آسیب نبینند. در این خصوص تفکر عمیق و مشورت‌های گسترده با همه‌ی دست‌اندرکاران تحقیقاتی و اجرایی لازم است تا به تهیه برنامه‌ای مستدل و قابل دفاع منجر گردد و بلافاصله به اجرا درآید. در این باره در آخر این بحث توصیه‌هایی ارائه گردیده است.

تخریب مراتع گسترش و طغیان سن گندم

بررسی‌های سالیان گذشته «رجبی و ترمه ۱۳۶۳» به وضوح روشن نمود که جمعیت قابل توجهی از سن گندم در ارتفاعات مستقر بوده‌اند و تغذیه و زادولد آن‌ها در همان جا بوده است. این بررسی‌ها که عمدتاً در استان همدان صورت گرفته ثابت نموده‌است که سن گندم تعداد فراوانی از نباتات مرتعی را در ارتفاعات، مورد تغذیه قرار داده و همان‌جا جفت‌گیری و تخم‌ریزی می‌کنند. پوره‌های حاصل از این تخم‌ها ضمن تغذیه از نباتات مرتعی کامل می‌شوند و سن‌های نسل جدید را ایجاد می‌کنند و در همان ارتفاعات به تابستان و زمستان گذرانی می‌پردازند. این سن‌ها که آن‌ها را سن‌های ساکن می‌نامیم بدون این‌که به طرف

زراعت گندم وجود در دشت‌ها و ارتفاعات پایین‌تر منتقل گردند به زندگی اسکان یافته‌ی خود ادامه می‌دهند.

نباتاتی که مورد تغذیه‌ی این دسته از سن گندم و پوره‌های آن قرار می‌گیرد عمدتاً از خانواده‌ی گرامینه و کومپوسیته هستند. این نباتات در استان همدان خصوصاً نهاوند جمع‌آوری گردیده‌اند. تنوع نباتاتی که مورد تغذیه‌ی حشره‌ی کامل و پوره‌های سن گندم در اماکن تابستان و زمستان گذرانی آفت قرار می‌گیرند بسیار است، به طوری که تعدادی از آن‌ها نام‌گذاری نشده‌اند. اندازه و وزن سن‌هایی که از این نباتات مرتعی تغذیه می‌کنند و به زندگی ساکن خود ادامه می‌دهند در مقایسه با آن‌هایی که بین اماکن تابستان و زمستان گذرانی و زراعت‌ها در حرکت‌اند کوچک‌تر و کم‌تراند. تخم‌گذاری سن‌های ساکن در مقایسه با سن‌های مهاجر به طور قابل توجهی کم‌تر است. در آخرین بررسی‌هایی که در این زمینه انجام شده این نکته به وضوح روشن گردید که سن‌های مهاجر با قدرتی کم‌تر از دو برابر سن‌های ساکن تخم‌ریزی می‌کنند.

اثرات تخریب مراتع برگسترش و طغیان سن گندم به اختصار عبارت‌اند از:

۱- با تخریب مراتع، سن‌هایی که در حالت عادی از آن مراتع تغذیه می‌کردند ناگزیر می‌شوند به طرف منابع غذایی دیگر که عمدتاً زراعت‌های گندم و جو دیم و بعضاً آبی است روی آورند.

۲- این‌گونه سن‌های تغذیه شده از گندم و جو و منابع دیگر، از قدرت باروری بیشتری برخوردار می‌شوند و در نتیجه تخم‌ریزی آن‌ها بیشتر می‌شود.

۳- این سن‌ها به علت تغذیه از منابع غنی غذایی «گندم و جو» در برابر سرمای زمستانی مقاوم‌تر و تلفات آن‌ها هم کم‌تر می‌شود.

۴- این چنین سن‌هایی دارای قدرت پرواز بیشتری می‌شوند و خواهند توانست تا ده‌ها کیلومتر تغییر جا دهند.

بنابراین با تخریب شدید مراتع منطقه، سن‌های اکثر ارتفاعات از زندگی آرام و ساکن و ظاهراً مخفی خود خارج می‌شوند و به زندگی توأم با جابه‌جایی و برخورداری از قدرت باروری بیشتر وادار می‌گردند. علاوه بر این، به‌علت کاهش بازدهی بعضی از اراضی دیم، زارعین به برداشت محصول آن‌ها راغب نیستند. در نتیجه بوته‌های گندم به جای مانده به

عنوان پناه گاه، کمک شایانی به استقرار و ذخیره سازی سن ها می کند. همچنین دانه های ریخته شده پس از سبز شدن در آن سال و سال های بعد، منبع تغذیه ی بسیار غنی و بی دردسری برای سن ها خواهد شد.

پیشنهادها و توصیه ها :

۱ - ما به گندم نیازمندیم و نمی توانیم به هردلیل دست از تولید آن برداریم و یا میزان آن را تقلیل دهیم، اما این به معنای گسترش سطح کشت نیست. ما به تلاش های پی گیر و شدیدی نیازمندیم تا عملکرد تولید گندم و جو را در دیمزارها افزایش دهیم. دوسوم از سطح زیرکشت گندم و جو در نهبوند به دیم کاری اختصاص دارد که اگر به درستی مورد بهره برداری قرار گیرد تولید غلات به دو برابر افزایش می یابد.

۲ - جمعیت روزافزون کشور به گوشت نیازمند است. لذا در این خصوص نیز نمی توانیم از تعداد دام های خود بکاهیم، اما نظر به این که میزان بهره گیری از مراتع طبیعی برای تغذیه ی دام چندین برابر ظرفیت آنهاست، لازم است امکان تقلیل گوسفند و بز در نقاط خاصی از شهرستان را بررسی کنیم و طرح تناوب بقولات و غلات در اراضی دیم را جدی بگیریم. این تجربه ی زراعی که در استرالیا بسیار موفقیت آمیز بوده است اگر در نقاطی از نهبوند که شرایط مناسب تری برای این اقدام دارد عملی گردد در تغذیه ی دام تحوّل ایجاد می کند و موجب حاصل خیزی خاک و جلوگیری از فرسایش آن می شود.

۳ - مؤسسه ی حفظ نباتات که در صدد نابود کردن این آفت است بهتر است به جای صرف هزینه های فراوان برای تحقیق درباره ی سن و از بین بردن آن، با سازمان جنگل ها و مراتع کشور در جهت احیای مراتع همکاری کند. قطعاً با چنین همکاری مستمری است که هم مراتع نجات می یابند و هم خاک و هم غلات از سن در امان می مانند.

۴ - لازم است شخم در اراضی دیم، عمود بر جهت شیب باشد تا میزان بیشتری آب برای گیاه در زمین ذخیره گردد و بدین طریق محصول بیشتری برداشت شود و از فرسایش آبی و بادی خاک زراعی نیز جلوگیری به عمل آید.

منابع و مأخذ مورد استفاده ۵ :

- کتاب حفظ نباتات یک، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب حفظ نباتات دو، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب حفظ نباتات سه ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب حفظ نباتات چهار ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب زراعت یک ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب زراعت دو ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب زراعت سه ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- کتاب زراعت چهار ، انتشار سازمان آموزش کشاورزی
- نشریه‌ی جنگل‌ها و مراتع، انتشارات سازمان جنگل‌ها و مراتع، شماره‌ی نهم
- مجله‌ی جهاد روستا ، انتشارات سازمان جهاد سازندگی ، شماره‌های ۲۷۰ الی ۳۴۰
- مجله‌ی صالحین روستا ، انتشارات سازمان جهاد سازندگی ، شماره‌های ۸۰ الی ۱۲۰
- فصل‌نامه‌ی پژوهش و سازندگی، انتشارات سازمان جهاد سازندگی ، شماره‌های

۱۵ الی ۱۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی